

تدوین نظام حقوقی حوزه هنر با تمرکز بر موسیقی، سینما و تئاتر

چکیده

قوانین و نظام حقوقی حوزه هنر با تمرکز بر موسیقی، سینما و تئاتر دچار خلأها و چالش‌های زیادی است. این پژوهش درصدد یافتن خلأهای نظام حقوقی و قوانین حوزه هنر و ارائه الگویی برای قانون‌گذاران در راستای تقنین قانون جامع هنر است. با بررسی صورت گرفته پنج ایراد ساختاری مشخص شد که عبارت‌اند از: عدم قانون اختصاصی هنر، نگاه ابزاری به هنر برای تحقق «هنر اسلامی و ایرانی»، نگاه قیّم‌مآبانه «نظام پروانه» آثار هنری به جای «نظام ثبتی»، عدم توجه به «حاکمیت قانون» به‌خصوص «مسئولیت مدنی دولت» و درنهایت بنگاهداری غیرشفاف هنری است. لذا باتوجه به ایرادات ساختاری مذکور و ایرادات در قوانین و مقررات موضوعه مندرج در پژوهش، برای ارائه «الگوی قانون جامع هنر»، یازده شاخص احصاء شده است که عبارت‌اند از: حاکمیت قانون، رویکرد آزادانه و نه کنترلی، مسئولیت مدنی دولت، اصل شفافیت، رویکرد حمایتی از هنرمندان، انسجام قوانین از تولید تا پخش، جلوگیری از بنگاهداری دولت، شفافیت قوانین بودجه و اعتبارات دولتی، استقلال سندیکاها، تعاریف مضیق سلبی و رویکرد هنری نه ابزاری در قوانین و مقررات.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی خلأهای قانونی حوزه هنر در موسیقی، سینما و تئاتر.
۲. ارائه الگوی مناسب برای قانون‌گذاران در راستای تقنین قانون جامع هنر.

سؤالات پژوهش:

۱. چه خلأهای در حوزه قوانین مربوط به عرصه هنرهایی چون موسیقی، سینما و تئاتر وجود دارد؟
۲. چه الگوی مناسبی می‌توان برای قانون‌گذاری در حوزه هنر اتخاذ کرد؟

کلیدواژه‌ها: حقوق هنر، حاکمیت قانون، سینما و تئاتر، موسیقی.

مقدمه

بزرگ‌ترین معضل مطالعات و تحقیقات حوزه حقوق هنر، عمل در چارچوب قوانین موضوعه است؛ در صورتی که قوانین موضوعه موجود از جنبه‌های گوناگون محل ایراد هستند. لذا سؤال اینجاست که قوانین و مقررات موجود تا چه حد توانسته حقوق حوزه هنر را تضمین کند؟ خلأهای قانونی حوزه هنر چیست؟ و آیا امکان تدوین قانون جامعی در حمایت از حوزه هنر وجود دارد؟ فرض این مطالعه بر «فقدان نظام حقوقی منسجم و کارا جهت حمایت ضابطه‌مند و اثربخش از هنر خلاق و بالنده» است و تلاش شده تا با بررسی کیفی و اسنادی و احصاء تمامی قوانین و مقررات حوزه هنر و تحلیل هر یک، شاخص‌های پیشنهادی لازم برای وضع «قانون جامع هنر» آورده شود که علاوه بر مبانی نظری، مؤلفه‌های اصلی برای قانون‌گذاری نیز در دسترس باشد.

هنر از جنس خلاقیت و خلق کردن است و با دستور، امر و نهی، قاعده‌گذاری ایجاد نمی‌شود و لذا در هیچ قانون و مقرراتی نیز نمی‌گنجد و اصولاً در تمامی کشورهایی نیز که هنر پیشرفت و کارایی داشته به علت عدم حصر و قاعده‌گذاری برای آن و در عوض شیوه‌های حمایتی ساختاری [نه فردی و بنگاهی] بوده است. اما قوانین و مقررات حوزه هنر در ایران برخلاف روال معمول همچنان که اشاره شد با اتخاذ روش پیشگراانه یعنی صدور پروانه به جای روش ثبتي، ایجاد حق و تکلیف در مقررات بجای قوانین، ارجاع دادرسی به محاکم شبه قضایی داخلی به جای دادگاه صالحه و عدم استناد به قوانین در مجازات‌ها و تناقض مقررات، مشکلاتی را برای حوزه هنر به وجود آورده است.

اما خلأهایی نیز علاوه بر موضوعات مذکور در قوانین و مقررات حوزه هنر وجود دارد که در قالب قوانین و مقررات موضوعه هنر نمی‌گنجد و نیازمند دیدی نظری و فراتر از قوانین موضوعه هنر می‌باشد که در این قسمت به آن پرداخته می‌شود.

اولین اصل در تدوین قوانین حوزه هنر «حاکمیت قانون» است آلبرت ون دایسی برای حاکمیت قانون سه ویژگی در نظر می‌گیرد. ۱- حکومت نبایستی دل‌خواهی باشد بلکه باید مطابق قواعد عام عمل کند. ۲- همه شهروندان در مقابل قانون برابرند. ۳- «... قانون اساسی حصول قانون عادی سرزمینی است» (مرکز مالمیری ۱۳۹۴: ۵۱). باتوجه به ویژگی‌های حاکمیت قانون، باید تمامی امور هنری در زیر مجموعه قوانین قرار گیرد.

استفاده از آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها به جای قوانین ایجادکننده حق و تکلیف، عدم ارجاع دادخواهی به محاکم صالحه، عدم تناسب صدر و ذیل قوانین و مقررات حوزه فرایند تولیدات هنری، نامشخص بودن ورود دستگاه‌های غیرذیربط به حوزه هنر [مانند شورای تأمین استان‌ها]، شرکت‌داری دولت در اکثریت غالب هنر، خلأهای قوانین مانند شفافیت بودجه و غیره مواردی است که مغایر حاکمیت قانون در حوزه هنر است. باتوجه به این معضل، ضرورت بررسی قوانین مطرح می‌شود. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است به این موضوع اشاره شده است.

نتیجه گیری

بررسی و تحلیل خلأهای قوانین حوزه هنر، برخلاف روال معمول نشانگاه خود را از قوانین موضوعه موجود خارج و به سمت منظومه قوانین و مقررات لازم در حوزه هنر [سینما، تئاتر و موسیقی] سوق داده است. به عبارت دیگر، معطوف ساختن به موارد جزئی که فقط تحکیم‌کننده ساختار غلط قوانین موضوعه هنر می‌باشد به کناری گذاشته شده است و با نگاهی تئوریک به بررسی و نقد منظومه موجود قوانین و مقررات حوزه هنر پرداخته است.

اولین معضل قوانین حوزه هنر نبودن قانون اختصاصی [مصوب مجلس] برای حوزه هنر می‌باشد که دو مورد «قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ ...» و «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» تأثیری در روند فعالیت‌های هنری نداشته و تمامی اختیارات به آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها سپرده شده است و آن‌ها در جایگاه قانون برای حوزه هنر ایجاد حق و تکلیف می‌کند. دومین ایراد ساختاری نگاه ابزاری به هنر برای تحقق «هنر اسلامی و ایرانی» است. غافل از اینکه هنر متعالی حد و مرز نمی‌شناسد و نگاه ابزاری، هنر فرمایشی و ناکارآمد را به همراه خواهد داشت. سومین ایراد ساختاری نگاه قیّم‌آبانه «نظام پروانه» آثار هنری به جای «نظام ثبتی» معمول در جهان است. در نگاه قیّم‌آبانه، حاکمان خود را بالاتر از هنرمندان دانسته و درصدد اعمال نظر در آثار هنری هستند؛ در صورتی که حوزه هنر فراتر از اندیشه، درک و احساس حاکمان است که باعث شکل‌گیری هنرمندان و آثار هنری می‌گردد.

فهرست منابع و مآخذ

- آگاه، وحید. (۱۳۹۷). «تحلیل نظام صدور مجوز اجراهای صحنه‌ای موسیقی و نظارت بر آن در ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۹، ۱۶۰-۱۳۷.
- آیین‌نامه فیلم‌برداری- عکس‌برداری- نقاشی- طراحی، وزارت داخله، اداره تبلیغات و جلب سیاحان (۱۳۱۷.۲.۶) در اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران ۱۳۰۰ الی ۱۳۵۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹.
- آیین‌نامه مربوط به نظارت بر نمایش‌ها و صدور پروانه نمایش (۱۳۴۷.۱۲.۲۵) در اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران ۱۳۰۰ الی ۱۳۵۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹.
- آیین‌نامه نظارت بر اجرای برنامه‌های صحنه‌ای موسیقی و نحوه صدور مجوز اجرا و تبلیغات (۱۳۶۵.۱۲.۱۲)
- آیین‌نامه نظارت بر نمایش‌ها و صدور پروانه نمایش (۱۳۴۷.۱۲.۲۵)
- آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه نمایش آن‌ها (۱۳۶۱، ۱۳۷۷، ۱۳۶۴، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۲)
- آیین‌نامه بررسی فیلم‌نامه و صدور پروانه فیلمسازی (۱۳۶۸.۰۵.۱۴).
- آیین‌نامه سینماها (۱۳۲۱.۳.۱۴).
- سبیلان اردستانی، حسن. (۱۳۸۹). «مقررات سینما، تئاتر و موسیقی؛ چالش‌ها و خلأها؛ مجموعه مقاله‌های هم‌اندیشی ملی مدیریت هنری»، [خانه سینما]، ۲۲۴-۲۲۵.
- ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۹.۲.۶)
- قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۶)
- قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)
- لایحه «قانون تشکیل مرکز ملی امور سینمایی ایران» (۲۵۳۶.۷.۶) در اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران ۱۳۰۰ الی ۱۳۵۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹.
- نظام‌نامه برداشتن فیلم و نمایش سینما (۱۳۰۹.۴.۲۴) در اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران ۱۳۰۰ الی ۱۳۵۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹
- نظام‌نامه مربوط به فیلم‌برداری و نمایش فیلم‌های سینمایی (۱۳۰۹.۴.۲۴)
- زرگوش، مشتاق. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت، تهران: نشر میزان.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر. (۱۳۸۷). حقوق اداری، تهران: انتشارات سمت.
- هاشمی، سید مهدی. (۱۳۸۰). حقوق اساسی جمهور اسلامی ایران، جلد دوم، چ پنجم، تهران: نشر دادگستر.
- مرکز مال میری، احمد. (۱۳۹۴). حاکمیت قانون، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.